

## کاربرد منظم زبان نژادپرستانه برای تحقیر فلسطینیان \*

■ حنان عشراوی \*\*

برگردان: بخش ترجمه

مسئول بی رحمی هایی جلوه دهد که در جریان انجام جنایت، اعمال شده است. البته شرط لازم و اساسی برای انجام یک چنین عملی آن است که افراد قربانی به طور کامل از ماهیت انسانی خود محروم شده و بنیانی ترین حقوق و ویژگیهای آنها نفی شود.

فرایندی که متضمن قربانی ساختن افراد می شود به شکل اجتناب ناپذیری با آسیب پذیری فزاینده، تحریف، و محروم کردن آنها از پوشش ملاحظات انسانی و ضرورت‌های اخلاقی، بیش از پیش تقویت می شود. بنابراین، آخرین

مقصر قلمداد کردن فرد قربانی همواره برای افراد خاطی دستاویز مناسبی بوده است تا به وسیله آن، حالت وحشتناک ناشی از نفس جنایت انجام شده را تحریف کنند و آن را معقول جلوه بدهند. آیا زنانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، کودکانی که مورد بدرفتاری قرار گرفته، یا فلسطینیانی که مدت‌های مدیدی محکوم به تحمل وحشیگری ناشی از اشغال نظامی فاجعه بار اسرائیل بوده اند، اولین مورد از قربانیان یک چنین وقایعی هستند، یا آخرین آن به حساب می آیند؟

چاره فرد ترسو آن است که از فرد قربانی بدگویی کند و او را

*\* Systematically Applying the Language of Racism to Dehumanize the Palestinians*  
*\*\* Hannan Ashrawi*

مسلحی که با اشغالگری و وحشیگری آن از در مخالفت در آمده اند، تهدید می شود! البته راه حل ساده و بدیهی این مشکل آن است که ارتش مذکور عقب کشیده شده و به اشغالگری اسرائیل خاتمه داده شود.

آنها با "تضعیف حقوق" - جایی که قوی تعیین کننده معیار عدالت برای ضعیف است - باعث سلب ارزش حقوق و حیات فلسطینیان شده اند.

معرفی تمام و تمام این قضیه، مجموعه چند چهره و در عین حال واحدی از مسئولیت سنگینی که بر دوش انسان قرار دارد را به شکلی مداوم به نمایش می گذارد. فلسطینیان قطع نظر از بی عدالتی و نابرابری فاحش موضع اسرائیل در جریان مذاکرات صلح، باید به خاطر آنچه که در قالب پیشنهاد سخاوتمندانه این کشور به آنها عرضه می شود سپاسگذار و ممنون هم باشند!

جناحهای راست و چپ افراطی اسرائیل و همچنین ایالات متحده در کنار یکدیگر یک چنین رویکرد متفرعانه و ترحم آمیز را در قبال صلح اتخاذ کرده اند. باراک حتی تا

مورد از بروز رویاروییها میان ارتش اشغالگر اسرائیل و معترضان غیر نظامی فلسطینی، به میدان عمل مناسبی برای فعالیت تمام و کمال اسرائیل در نژادپرستانه ترین شکل اعمال فریب و تحقیر انسان علیه تمامی آحاد یک ملت بدل شده است.

اساسی ترین شکل فریب در قالب ارائه یک تناسب نادرست میان اشغالگر و اشغال شده و بین ستمگر و قربانی متجلی می شود. خشونت ارتش اشغالگر و قدرتمند اسرائیل که از موشک، تانک و هلیکوپترهای توپدار استفاده می کند (به بهترین شیوه ممکن) با خشونت غیر نظامیان فلسطینی که به قربانی شدن خود و تداوم از دست دادن حقوق، سرزمینها و سرنوشتشان اعتراض می کنند، مساوی قلمداد شده است.

افزون بر این، از فلسطینیان خواسته می شود تا سر به راه شوند، خشونتها را متوقف کنند و از اعمال فشار بر اسرائیل دست بردارند. آنها این طور وانمود می کنند که قویترین ارتش منطقه از سوی افراد غیر

دورترین حد ممکن هم پیش رفته و به فلسطینیان پیشنهاد کرده است تا بخشی از اراضی خود را در اختیار و مسئولیتهایی را هم در بیت المقدس به عهده بگیرند. فلسطینیان قدرشناس و ناراضی از این وضعیت هم، سازش ناپذیر و تندرو معرفی می شوند!

ما تا حد اکتفا کردن به بخش کوچکی از سرزمین تاریخی فلسطین هم تنزل کرده و تن به مصالحه داده ایم. اما اینک از ما خواسته می شود تا با الحاق غیرقانونی بیت المقدس به اسراییل و سیاستهای شهرک سازی این کشور همدست و همدستان شویم، یعنی اینکه مشارکت نامقدسی را برای نقض قوانین بین المللی و قطعنامه های مربوطه سازمان ملل، به وجود بیاوریم.

اگر ما نارضایتی نسبت به انکار ماهیت انسانی و حقوق خود، و برداشت یک جانبه اسراییل از مفهوم صلح - که بیانگر دولتی فرمانبردار در یک منطقه کوچک و منزوی و تحت حاکمیت نظام تبعیض نژادی اسراییل است - را اعلام نمایم در آن صورت

مجبور به تسلیم و پذیرش سلطه طرف مقابل خواهیم شد. در مجموع اگر فشار و تهدید و اعمال نفوذهای سیاسی کارگر نباشد، تجاوز نظامی آشکار و مستقیم می تواند نتایج مورد نظر را به دنبال آورد، چرا که به زعم آنها "اعراب فقط زبان خشونت و زور را می فهمند." تاکتیکهای وحشت زای ناگهانی یا خط مشی های هول انگیز هم بعد از زدن بر چسبهایی چون فلسطینیان: تروریست، دیکتاتور مآب، یا خشن هستند، به کار گرفته می شوند. در عین حال واقعیت ناشی از اراده انسانی فلسطینیان برای ایستادگی در برابر استیلا و ستم گری را به عنوان گواهی بر درستی یک چنین وارونه نمایی معرفی می کنند.

در اینجا یک وضعیت متناقض و لاینحل به روشنی قابل مشاهده است: یعنی اینکه عرفات، باید ملت خودش را کنترل کند و به آنها فرمان بدهد که آرام باشند و اسارت و سرکوبگری اسراییلیها را بپذیرند. در غیر این صورت او دیگر شریک مناسبی برای صلح به حساب نمی آید و نمی توان او را به عنوان یک رهبر تلقی کرد. در

اسرائیل هر روز به این شکل که فلان تعداد کشته شده و فلان تعداد نیز زخمی شده اند اعلام می شود و اسامی آنها، هويتشان، اميدها و آرزوهای بر باد رفته در هيچ کجا مورد اشاره قرار نمی گيرد. چیزی هم که پیش از همه وجود آن به چشم نمی آید اندوه و درد و رنج مادران، پدران، خواهان، برادران، و ساير عزيزان و بستگان قربانی است که باید با فقدان غم انگيز عزيز از دست رفته خود تا آخر عمر زندگی کنند. سند تصویری که چگونگی کشته شدن خونسردانه کودکی بنام محمد الدوره، را نشان می داد، آسودگی خاطر کسانی که به خاطر گمنام بودن قربانیان فلسطینی و نامشهود بودن رنج آنها احساس آرامش می کرده اند را بر هم زد و از بین برد. حتی همان موقع هم ماشین تبلیغاتی اسراییل با وجود شواهد غیر قابل انکار موجود در خصوص این قضیه، باز هم سعی کرد تا واقعیت را تحریف نماید.

در ابتدا گفته شد که کودک مزبور با آتش مردان مسلح فلسطینی کشته شده است. بعد گفته شد که

همین حال، اسراییل نمی تواند با عرفات یا فلسطینیان به گفتگو و تعامل پردازد، چرا که آنها ذاتاً افرادی "غیر دموکراتیک" هستند و بنابراین هیچ وجه اشتراکی با دموکراسیهای متمدنی نظیر اسراییل و ایالات متحده ندارند! در همین راستا، بر چسبهای حاضر و آماده و القاب کلیشه ای دیگری نیز به سادگی و به عنوان ابزارهای یک عملیات پرنیرنگ مناسب و مفید، مهیا می شوند تا به وسیله آنها ماهیت انسانی فلسطینیان تحقیر و کوچک انگاشته شود. مجموعه ناسزاهای تاریخی و آشنایی که از جانب مقامات اسراییلی مورد استفاده قرار می گیرد - عباراتی نظیر سوسکهها، جانوران موزی دو پا و سگها از جمله آنها به شمار می آیند - گسترش پیدا کرده، القاب دیگری چون مارها و کروکودیلها را هم شامل شود.

کاهش منزلت انسانی ما تا حد مجموعه ای از حیوانات در هيچ کجا به اندازه بازی با اعداد آنان شرورانه و بدخواهانه نیست. آمار قربانیان فلسطینی در آتشسبازیهای جنگی

مخفی جوخه های مرگ اسرائیلی توسط معترضین فلسطینی کشته می شوند، اسرائیل و سایرین چه واکنشی نشان می دهند. البته هیچ فرد فلسطینی سعی نکرد این اقدام را توجیه کند و حتی دستوراتی هم برای تحقیق در مورد این قضیه و دستگیری مسئولان آن صادر شد. روپهمرفته چنین دستوراتی هم باید صادر می شد چرا که حاکمیت قانون و روند شایسته اجرای آن چنین چیزی را ایجاب می کند. اما اسرائیلیها در عوض تانکها و نفرات نظامی خود را حتی از حدی هم که قبلاً وجود داشت جلوتر آوردند تا حلقه محاصره و اختناق حاکم بر شهرها، روستاها و اردوگاههای آوارگان فلسطینی را تنگ تر و شدیدتر نمایند. پس از همه اقدامات ایزایی هلی کوپترهای توپدار آپاچی وارد کارزار شده و در بی معنی ترین و بی رحمانه ترین شکل تنبیه دست جمعی مردم، شهرهای بزرگ و کوچک فلسطینی به گلوله بسته شدند. سیاست تبلیغاتی اسرائیل، مأموران اسرائیلی کشته شده را به عنوان نفرات ذخیره ای معرفی می کند که بر

مرد قربانی، در صحنه تبادل آتش گرفتار آمده است. بدترین برداشت ارائه شده از این قضیه آن بود که کودک شهید محمد الدوره به نحو موزیانه ای به عنوان فردی دردرساز و کودکی شیطان معرفی شد که خود این سرنوشت را برای خویش رقم زده است. این گفته درست مثل این است که گفته شود واکنش مناسب در قبال بچه ای که دوران کودکی و عوالم شیطنت آمیز خاص آن را سپری می کند آن است که وی به صورت آگاهانه و عمدی بقتل برسد. آخرین اتهام مطرح شده علیه وی نیز در قالب یک سؤال طرح شد و آن اینکه: او آنجا چه کار می کرده است؟ اما پرسش واقعی باید آن باشد که ارتش اسرائیل در آنجا و در قلب شهر غزه فلسطین چه کار می کرده است و چرا به طرف غیرنظامیان و از جمله پدر و فرزندى که درگیر اقدام تحریک آمیزی چون خرید کردن! بودند و ناگهان در معرکه گرفتار شده بودند، تیراندازی می کرده است؟

به تفاوت موجود میان این دو قضیه دقت کنید که وقتی دو مأمور

مرکز شهر انجام می شد رخنه کرده و سرگرم خبرچینی بودند. زمان این کار نیز به هنگام انجام مراسم تشییع جنازه شهید فلسطینی عسام جوده حامد از اهالی روستای ام صفا بود که توسط شهرک نشینان اسرائیلی ربوده و به فجیع ترین وضعی تا سرحد مرگ شکنجه داده شده بود. عکسها و فیلم گرفته شده از جسد وی در کنار گواهی پزشکی که جسد مقتول را معاینه کرده بودند، به خاطر بدست آوردن پاره ای امتیازات یا تحقیر اسرائیلیها نبود که بارها و بارها در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش درآمد. برخی از ایستگاههای تلویزیونی عربی به من اطلاع دادند که تصاویر مزبور آن چنان هولناکند که از استفاده از آن معذورند. بیشتر کسانی که در راهپیمایی انجام شده در شهر فلسطینی محاصره شده رام الله شرکت کرده بودند، فرد قربانی را می شناختند و برخی نیز جسد مقتول را دیده بودند. دو مأمور مخفی اسرائیلی که به داخل صفوف راهپیمایی رخنه کرده بودند، از جانب فلسطینیان به عنوان دو تن از اعضای جوخه های مرگی شناخته

اثر اشتباه! به طرف رام الله منحرف شده و متعاقب آن توسط گروهی از اشرار به قتل رسیده اند. به کار بردن عباراتی نظیر کشتار و وحشیگری برای اشاره به ماجرای مذکور به الگوی کلامی رایج تبدیل شده است. در حالی که هیچ کس کشته شدن سربازان اسرائیلی یاد شده را نمی پذیرد اما با وجود این، بررسی زمینه ها و حقایق تردیدناپذیر مربوط به این ماجرا نیز در جای خود مهم تلقی می شود. هر نوع آمد و شدی به داخل یا خارج از شهر رام الله، به عنوان شهر بزرگی که تحت محاصره نظامی کامل اسرائیل قرار داشت، ناممکن بود. تنها یکی از ورودیهای این شهر باز بود و آن هم به طور کامل تحت کنترل نظامی چند مرحله ای پست های بازرسی اسرائیلی قرار داشت. بنابراین گم شدن و منحرف شدن به طرف شهر رام الله مستلزم اقدامات آگاهانه و مکرری خواهد بود که لازمه آن سرسختی، پافشاری، و حتی فریب کاری باشد. دو مأمور اسرائیلی بدون تردید به کانون راهپیمایی اعتراض آمیزی که در

به قتل‌های مزبور، مرتکبین جنایات یاد شده هیچ گاه مجازات نشده و هیچ نوع خشم و برآشفتنگی نیز به خاطر قتل‌های مزبور از سوی مردم اسرائیل ابزار نشد. در مورد "منطقه وحشتی" هم که شهرک نشینان اسرائیلی برقرار کرده و با همدستی و پشتیبانی نظامی کامل اسرائیل، فلسطینیان را در خانه ها و شهرهای خودشان مورد هدف قرار می دهند، نیز همین وضعیت حکمفرماست. در حالی که شهرک نشینان یهودی اسرائیلی به عنوان شهروندان غیرنظامی این کشور که توسط فلسطینیان دشمن و کینه جو محاصره شده اند به نمایش درآمده اند، اما ماهیت مرگبار و شیطانی خشونت اعمال شده از جانب یهودیان شهرک نشینی که دست به وحشیگری می زنند، در اغلب موارد نادیده گرفته می شود. غیرقانونی بودن شهرک‌های یهودی نشین متعلق به اسرائیل، افراط گرایی بنیادگرایانه، ماهیت شهرک نشینان یهودی مسلح و اقدامات هولناکی چون آدم ربایی، شکنجه، قتل، و حتی خشونت‌های اتفاقی و موردی - که با مصونیت از تحمل کیفر

شدند که مسئول انجام قتلها و اقدامات تحریک آمیز متعدد بوده اند.

علی رغم این واقعیت که پلیس فلسطین سعی کرد از آنها محافظت نماید، اما دو مأمور مزبور در برابر دوربینهای تلویزیونی به قتل رسیدند. این واقعه بلادرنگ به توجیهی بدل شد که براساس آن، تمامی فلسطینیان به عنوان آدم کش قلمداد شده و بنابراین، آنها به عنوان مسبین، نفرتبارترین، و کینه جوینان ترین نبرد انجام شده در تاریخ معاصر دنیا معرفی شدند. واقعه مزبور همچنین به عنوان دستاویز و توجیه حملات هوایی اسرائیل به رام الله و سایر شهرهای بزرگ فلسطینی مورد استفاده قرار گرفت. اسحاق لائور، شاعر اسرائیلی، در سروده تأثیربرانگیز مورخ ۱۳ اکتبر خود از هموطنان خویش مصرانه می خواهد که از این واقعه به منظور توجیه نژادپرستی و نفرت موجود بهره برداری نکنند. وی در ادامه اظهاراتش چندین مورد از اسناد مربوط به کشته شدن فلسطینیان توسط ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل را ارائه می دهد. در تمامی موارد مربوط

قائل نشده و یا حتی از عظمت آن نیز آگاهی ندارند.

موقعی که کودکان فلسطینی هدف تیراندازان کمین کرده اسرائیلی یا سایر اشکال خشونت‌های مسلحانه آنها قرار می‌گیرند، وزارت آموزش و پرورش هم هیچ چاره‌ای ندارد جز این که مدارس را موقتاً تعطیل نماید تا از این طریق - از اینکه دانش آموزش در مسیر رفتن به مدرسه و بازگشت از آن در معرض مخاطره قرار گیرد حتی المقدور جلوگیری شود - میزان خطر ناشی از آن به حداقل ممکن کاهش یابد. اما همین مسأله فوراً توسط ماشین تبلیغاتی و خبرپراکنی اسرائیل مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان دلیلی برای اثبات این مدعا معرفی می‌شود که ما مدرسه‌ها را تعطیل کرده ایم تا بچه‌هایمان را برای رفتن به بیرون و به شورش علیه اسرائیلیها فعال کنیم و به این وسیله آنها را در معرض گلوله‌های اسرائیلی‌ها قرار بدهیم. در همین راستا، حتی آرامش و امنیت خانه و تلاش‌های والدین برای محافظت از بچه‌هایشان نیز مورد توجه قرار نگرفته است.

انجام می‌شوند - بندرت مورد توجه قرار می‌گیرند.

فلسطینیان در مقابل تمامی موارد مذکور، همچنان به عنوان مقصر معرفی می‌شوند. واضح‌ترین تهمت نژادپرستانه‌ای که مطرح گردیده به اقدام اسرائیل در نصادیده گرفتن عواطف انسانی ما به عنوان والدین فرزندانمان مربوط می‌شود. در تلاش برای محروم کردن ما از اساسی‌ترین احساساتی که نسبت به فرزندانمان داریم، متهم شده ایم که بچه‌های خود را بیرون می‌فرستیم تا به خاطر بدست آوردن پاره‌ای امتیازات در مقابل رسانه‌های ارتباط جمعی بمیرند و ما این امتیازات را از آن خود نماییم! خونسردی کلسی و کورکورانه‌ای که بر مبنای آن یک چنین تهمت بزرگ ملی از جانب تمامی احزاب اسرائیلی تکرار می‌شود، بر نفرت انگیز و هولناک بودن این قضیه بیش از پیش افزوده است و تکرار کنندگان یک چنین اتهام نژادپرستانه‌ای هم هیچ تمایز آشکاری را در مورد این گفته خویش



جبران ناپذیری وارد شده است. \* مقامات اسرائیلی ادعا می کنند که از خود، خویشتن داری نشان داده اند. البته آنها می توانند کارهایی بدتر از آنچه که تاکنون انجام داده اند را نیز انجام بدهند. آنها می توانند مرتکب نسل کشی شوند یا سیاست تصفیه نژادی که از سال ۱۹۴۸ آغاز شده را تکمیل کنند و به نتیجه مورد نظر برسند. با این همه، این نیروهای امنیتی اسرائیل هستند که خود را محصور کرده اند. ارتش اشغالگر قدرتمند اسرائیل، از ترس فریاد عدالت و آزادیخواهی ملت فلسطین در یکجا جمع می شوند. حال آن که ملت فلسطین در سرزمین و در خانه های خودشان هیچ احتیاجی به امنیت ندارند. زیرا ماهیت انسانی آنها همچنان از طرف حکام ستمگرشان تنزل پیدا کرده تا اینطور بنظر بیاید که هر اتفاقی که برای آنها روی بدهد استحقاقش را دارند. این وضع از مردن هم بدتر است. و این واقعیتی است که در افسانه "سرزمین بدون یک ملت \* آمار مزبور متعلق به ماه اول انتفاضه است (مترجم).

در واقع، سارا عبدالعظیم حسن، دختر بچه ۱۸ ماهه ایی که چندی پیش به قتل رسید، در صندلی عقب اتومبیل پدرش مورد اصابت قرار گرفته و کشته شد. در همین حال، سایر کودکان قربانی نیز در داخل یا اطراف خانه های خود کشته شده اند. به عنوان مثال، معید الجواریش، که ۱۲ سال داشت در باغ منزل خودشان مورد اصابت گلوله قرار گرفت. بیشتر کودکان مقتول نیز از ناحیه سر و قسمت فوقانی بدنشان مورد اصابت قرار گرفته و عمدتاً نیز با گلوله های پرشتاب مورد هدف قرار گرفته اند. چشمان کودکان قربانی شده عمومی ترین هدفهای گلوله های فولادی دارای پوشش پلاستیکی بوده اند.

تاکنون سیاست تیراندازی به قصد کشت (یا وارد آوردن صدمه جبران ناپذیر) خطی مشی اصلی بوده که از جانب ارتش اسرائیل به کار گرفته شده و در نتیجه آن جان بیش از یکصد و ده نفر فلسطینی گرفته شده و بیش از سه هزار نفر زخمی شده اند که به اغلب آنها ضایعات

میزان مسئولیت مجرم واقعی است. مدافعین و توجیه کنندگان اشغالگری اسرائیل باید دستاویز جدیدی را پیدا کنند که بشود او را به خاطر کابوس وحشتناکی که بر فلسطینیان تحمیل شده است مقصر قلمداد کرد و برای این کار چه کسی بهتر از خود قربانیان این واقعه را می توان به ناظران بی طرف معرفی کرد؟.

برای یک ملت بدون سرزمین<sup>۲</sup> بدان اشاره شده و حالا حتی به نظر می رسد که شیمون پرز هم در اذهان مطرح عرصه<sup>۳</sup> داستانسرای رسمی اسرائیل، از آن حمایت می کند. در حال حاضر به نظر می رسد که ما در مقام موجوداتی پست تر از انسان اولیه هستیم و در همان حال از بیشتر ویژگیها و حقوق اساسی، که به طور کلی وجدان و ارزشهای اخلاقی بشریت را هدایت می کنند، محروم شده ایم.

\*\* دکتر حنان عشراوی استاد دانشگاه بیرزیت و عضو شورای قانونگذاری فلسطین

وجود تمامی این قضایا بخاطر تسکین دادن فرد خاطی و کاستن از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی